

بخشش باشه

پیش از آنکه مُلک ما سودا کنید
یک کمی فکری برای ما کنید
اختیار ما به دست دیگران
کشورم جولانگه بیگانه گان
کودک ما را به گریان ساختند
از وطن ما را گریزان ساختند
هر کی آمد، بست و کشت و خُرد و بُرد
هیچ کس هرگز غم ملت نخورد
هرطرف قاچاق و رشوت خوردن است
پول مردم را به دویی بُردن است
گاه بر اجساد ما شاشیده اند
گاهی هم ناموس ما... پیده اند
یک دو سه نادان و بی وجدان و خ...
ملت ما را نموده دربدر
چوب را «بخشش!» به ک... ما زدند
ریسمان را در گلون مازدند
آنکه میگفت «های! روسها آمده
کافر از آن پارِ دریا آمده»
حال میبینی که کی ها آمده؟
لشکر از هر سوی دنیا آمده
پس کجا شد آن جهادت جانِ من؟
پیروانِ بی سوادت جانِ من؟

رهبرت در دست ناتو مانده است
از کشِ جنگ و جهاد افتاده است
در میان پارلمان بنشسته است
بی صدا مانند موش مرده است
شرم تان بادا به این وجدان تان
مرگ باد بر نفس و بر ایمان تان

هارون یوسفی